



تاریخ شفاهی جبهه بین الملل انقلاب اسلامی
زبان شفاهت است

bookroom.ir

m.ir

bookroom.ir

صدای زنان راوی جنگ سوریه است

okroom.ir

bookroom.ir

bookroom.ir

bookroom.ir

اینجا سوریه است

صدای زنان راوی جنگ

■ ■ محقق و نویسنده: زهره یزدان پناه قره تپه



bo

.ir

bookroom.ir

فهرست

یادداشت نویسنده..... ۹

بخش اول (سال ۲۰۱۷ - پاییز و زمستان ۱۳۹۶)

۱
تهران دمشق:
یادها و آغازها..... ۱۷

۲
لاذقیه:
فاجعه «عدرا الثمالیه»، لاذقیه و اولین مصاحبه ناکام، فاجعه «حارم»، خانواده شهدای لاذقیه، فاجعه
ضلنغه و آسرای زن..... ۳۹

۳
ضلنغه:
کارگاه خیاطی، زنان، مهاجر قوعه و کفریا..... ۶۵

۴
خماه سلخَب:
مراسم شهید، آشنی‌خانه «مادران شهدای سلخَب»، مخرده و خانواده شهید مسیحی..... ۸۱

۵
خماه - ضتوره:
درمانگاه میدانی و خیریه امام سجاد علیه السلام، حمله مسلحین و زنان اسیر..... ۱۰۳

۶
خلب:
کارخانه آب و آوارگان و زنان مهاجر..... ۱۱۷

۷

حَلَب:

رأس الحسين عليه السلام، مشهد المحسن عليه السلام، قلعة حلب، مسجد جامع أموي، بُحُوث، مقبرة شهدای نُبُل و الزهراء، ثل شَغِيب و سُفَيره ۲۰۳

۸

نُبُل و الزهراء:

کارگاه خیاطی و کارخانه آب، زنان مقاوم و دوران محاصره و آزادی ۲۱۳

۹

حَلَب:

اردوگاه جبرین و آوارگان؛ به‌دنیال خانه ریحام و تشییع شهید ۳۰۷

۱۰

صُبُوره:

فاجعه عَقارب و مَبُعوچه: ۳۲۱

۱۱

جَسِیاء:

مهاجران قُوعه و کُفَریا و فاجعه انفجار اتوبوس های منطقه راشدین ۳۴۷

بخش دوم (سال ۲۰۱۸ - تابستان ۱۳۹۷)

۱

تهران دمشق:

..... ۳۷۱

۲

جَسِیاء:

مهاجران قُوعه و کُفَریا و فاجعه انفجار اتوبوس های منطقه راشدین ۳۷۵

۳

حَلَب - سُفَيره:

..... ۴۹۱

۴

نُبُل و الزهراء:

دوران محاصره و آزادی ۵۰۳

۵

لاذِقه - صُلَئفه:

فاجعه صُلَئفه و آسرای زن ۵۲۵

یادداشت‌نویسنده

واقعیتش این است که همه چیز از زمان شهادت محسن حججی شروع شد و بعدش هم آن تماس وحید جلیلی از سوریه، مدتی از شهادت شهید حججی نگذشته بود و من هنوز در التهاب و اندوه خبر شهادت این جوان جهادگرو مدافع حرم و تأثیر عمیق شهادت مظلومانه‌اش بر روح و روان و زندگی و کارهایم بودم که موضوع تماس وحید جلیلی، مسئول شورای سیاست‌گذاری جشنوارهٔ عمار و مسئول «دفتر مطالعات جبههٔ فرهنگی انقلاب اسلامی» پیش آمد. مسعود ملکی، از مسئولان همان دفتر هم پیگیر این تماس‌ها بود. وحید جلیلی که استخوان خرد کردهٔ عرصهٔ فرهنگ است، خودش آن موقع در سوریه بود. یکی از طرح‌هایش، ثبت و نگارش خاطرات زنان سوری بود که زندگی‌شان متأثر از بحران و جنگ سوریه بوده است. او می‌خواست «مظلومیت» و «مقاومت» این زنان و کودکان، در قالب ابزارهای هنری و ادبی ریخته شود. هدفش این بود که صدای آن‌ها نه تنها به گوش ملت‌ها و دولت‌های جهان برسد، بلکه در هیئت «تاریخ شفاهی»، برای همیشه ثبت و با ماندگاری آن در تاریخ، به آیندگان منتقل شود. مسئولان فرهنگی ایرانی در سوریه از طرح وحید جلیلی حمایت کردند و حالا باید مراحل تحقق آن سپری می‌شد.

پرسش اصلی در این سفر جست‌وجوگرانه و پژوهش برای نگارش مطالب کتاب، این بود: «جنگ تحمیل شده به مردم سوریه، چه تبعاتی بر زندگی زنان سوری با ادیان و مذاهب و قومیت‌های مختلف داشته است؟ چگونه

زندگی شخصی و خانوادگی این زنان، متأثر از این جنگ تحمیلی قرار گرفته است و زنان چه خاطراتی از این وضعیت دارند؟ بدون شک، یافته‌های چنین پرسشی، نه تنها روایت مظلومیت زنان سوری در جنگ تحمیلی بر سوریه است، بلکه بیانگر عمق جنایت‌های دشمنان سوریه و مردم آن هم خواهد بود. وقتی که نام «زن» به میان می‌آید، به طبع در کنارش مسئله خانواده مطرح می‌شود؛ یعنی همسر و فرزندان و همچنین دیگر اعضا مانند پدر، مادر، خواهر و برادر. در این جست‌وجو اما به علت حضور نیروهای ایرانی در سوریه، ردپای فعالیت‌های آن‌ها هم در عرصه‌های مختلف آشکار می‌شود.

وقتی عازم این کشور شدم، شاید نه وحید جلیلی، نه دیگر مسئولان ایران در سوریه تصور نمی‌کردند که این کار، آن‌هم در کشوری مثل سوریه که هنوز درگیر جنگ است، تا چه حد می‌تواند طاقت‌فرسا باشد؛ مخصوصاً برای نگارنده‌ای که خودش از جنس همان کسانی است که قرار بود راوی مطالب این کتاب باشند. به هر حال خواست خدا و لطف شهدای «مدافع حرم» بود که چنان زمینه‌سازی کنند که قرعۀ این کار فرهنگی جهادگونه به نام من بیفتد؛ یعنی اولین خانم ایرانی نویسنده، پژوهشگر و مستندساز که دست‌اندرکاران ایرانی در سوریه به او اجازه داده بودند برای این کار عازم آن کشور شود.

ماجرای اعزام‌هایم و کش‌وقوس‌های آن هم بماند که خودش قصه‌هایی شیرین دارد و گاهی هم تلخ. بالاخره سفرهایم با همه دشواری‌هایش انجام شد؛ دشواری‌هایی که کمترینش می‌توانست سختی خود مصاحبه با راوی‌هایی باشد که هر کدام اوضاع و احوال خاصی داشتند. به‌رغم همه مشکلاتی که در طول روایت‌های کتاب فقط به بعضی از آن‌ها به اختصار اشاره می‌شود، این سفر قسمت‌های شیرینی هم داشت. یکی از به‌یادماندنی‌ترین قسمت این سفرها، حضور در میان مردم شیعه، سُنی، علوی و مسیحی بود که ادیان و مذاهب و فرهنگ‌های مختلفی داشتند. ساعت‌ها با پشتکار برای ثبت روایت آن‌ها تلاش می‌کردم تا صدای مظلومیتشان را به گوش مردم صلح‌طلب، حقیقت‌جو و آزادی‌خواه جهان

برسانم. این تلاش از این باب شیرین بود که هم آدم‌های جدیدی یافته بودم که می‌توانستم آن‌ها را هم از صمیم قلب دوستشان داشته باشم و هم اینکه دقیقاً در تقابل با تبلیغات سوء دشمن مشترکشان بود که قصد ایجاد اختلافات بین مذاهب را داشت.

به هر حال، به‌رغم همه این اوضاع و احوال، سعی شد که این روایت‌ها به همراه اسنادی مانند صوت، مصاحبه‌ها، عکس‌های راویان و مشخصات کاملشان برای حفظ در آرشیو‌سندها ثبت شوند و سپس به نگارش درآیند. برای حفظ سندیت متن‌های پیاده‌شده از مصاحبه‌های ضبط‌شده نیز نویسنده سعی کرده صوت همه مصاحبه‌ها را پیاده کند تا از این بابت هم اطمینان خاطر حاصل شود. کتاب پیش رو و مصاحبه‌ها و خود سوزده‌ها، هر کدام به خودی خود می‌تواند موضوع ساعت‌ها کارگاه انتقال تجربه باشد که به‌زعم نویسنده، فصل جدیدی در چگونگی ثبت تاریخ شفاهی می‌گشاید؛ فصل جدیدی که می‌تواند «ثبت تاریخ شفاهی در موقعیت بُحران» نامیده شود؛ هر چند به دلیل گسترده بودن دریای روایت‌ها، به‌ویژه روایت‌های مقاومت در سوریه، این روایت‌ها ناتمام هستند و روایت‌های این کتاب، فقط گوشه‌ای از صدای زنان راوی جنگ در سوریه است. نویسنده به استان‌ها و شهرهای مختلف سوریه سفر کرده است تا روایت‌های هر سفر را تکمیل کند. روایت‌ها به ترتیب زمانی، به‌طور جداگانه و در دو بخش مجزا مرتب شده‌اند. بخش اول، خاطرات سفر سال ۲۰۱۷، مصادف با پاییز و زمستان ۱۳۹۶ و بخش دوم، وقایع سال ۲۰۱۸ مصادف با تابستان ۱۳۹۷ است که به نگارش درآمده است. هر بخش شامل یازده فصل است. ضمن اینکه حاشیه این سفرها بسیار پُرملات، جذاب، گاهی شیرین‌تر و گاهی تلخ‌تر از خود متن بوده‌اند. نگارنده سعی کرده است فقط برخی از آن‌ها را لابه‌لای روایت راوی‌ها و نوشته‌ها بگنجاند. به‌رغم همه این‌ها، راوی این سطور هنوز معتقد است که این بضاعت قلم نگارنده بوده است که به‌یقین مُتَبَرّا از کاستی نخواهد بود.

سخن دیگر اینکه تحقق ثبت این روایت‌ها، علاوه بر لطف خداوند متعال و عنایت شهدای «مدافع حرم»، حاصل تلاش‌های جمعی بوده است.